

باز باران

تألیف

زیبا قاضیانی

سرشناسه: قاضیانی، زیبا، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: باز باران / تألیف زیبا قاضیانی.

مشخصات نشر: تهران: آریا تبار، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۱۸۶ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۲-۱۹-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴

موضوع: Persian poetry -- ۲.th century

رده بندی کنگره: ۲۹۰۰۰ / الف ۸۱۷۱ PIR

رده بندی دیویی: ۱۷۲۲ فا

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۳۵۵۳

نشر و پخش آریا تبار

باز باران

مؤلف: زیبا قاضیانی

طراح جلد: سما محمدی

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۲-۱۹-۵

نشانی: تهران، خیابان لبافی نژاد، بین خیابان ابوریحان و دانشگاه، پلاک ۱۴۶

۶۶۴۶۵۲۵۵

فهرست

۱۳.....	مقدمه
۱۹.....	معرفی
۲۰.....	باز باران
۲۳.....	ایران ۳
۲۵.....	کربلا
۲۹.....	قاب آفتاب
۳۰.....	یکی بود یکی نبود
۳۲.....	بارگاه انبیاء
۳۳.....	نیایش
۳۴.....	محشر
۳۷.....	شیر خدا
۳۸.....	سلسله بندگی
۴۸.....	کشتی نجات
۵۰.....	یا علی حب تو را بت ساختیم
۵۲.....	عدالت
۵۴.....	دروازه ساعات

- ۵۵..... دردهای جان من
- ۵۹..... تبار عثمان ..
- ۶۰..... مقتدر مظلوم
- ۶۴..... ناجی سرمست
- ۶۵..... ش قدر
- ۶۷..... غدیر
- ۷۲..... قرآن صامت
- ۷۵..... جابر در آرزوین ..
- ۷۷..... باران سخاوت
- ۷۸..... قوم بی غش
- ۷۹..... بعثت
- ۸۰..... نجف شهر عدالت
- ۸۲..... باز باران
- ۸۵..... میلاد علی
- ۸۷..... یاس نیلی
- ۸۸..... فاطمیون
- ۹۱..... چرا زهرا به شب در خاک گردید
- ۹۴..... غریبانه ..
- ۹۹..... من ایرانی ام.
- ۱۰۲..... دوبیتی

- کشتی نوح .. ۱۰۹ ..
- نماز ۱۱۱ ..
- از کجا آمده‌ایم ۱۱۴ ..
- عشق یعنی ۱۱۵ ..
- هاییدان ۱۱۷ ..
- ق ۱۱۹ ..
- تو را من چاهم در راهم ۱۲۰ ..
- اذن رسالت ۱۲۱ ..
- نیامدی ۱۲۲ ..
- بقیع ۱۲۳ ..
- معراج سحر ۱۲۴ ..
- نمیدانم ۱۲۵ ..
- برده داری (اسلام سرمایه‌داری) ۱۲۷ ..
- شریعتی ۱۲۸ ..
- مصلحت ۱۳۰ ..
- شام ۱۳۱ ..
- خوش بحال دختران با حجاب ۱۳۳ ..
- انسیه حورا .. ۱۳۶ ..
- خدا می‌ماند و انسان ۱۳۸ ..
- خدیدجه ۱۳۹ ..

۱۴۰	شهیدی کز رفیقان بازمانده
۱۴۲	ای قوم به حج رفته
۱۴۳	یاد شهیدان
۱۴۴	ماه رجب
۱۴۷	غریب موهن
۱۴۸	اربعین
۱۴۹	رندان تشنه لب
۱۵۱	مشق عشق
۱۵۲	دنیا
۱۵۴	ای حکیم
۱۵۵	بلعم باعور
۱۵۷	پرستوی شکسته بال
۱۵۸	زندان هارون
۱۵۹	روزگار سادگی
۱۶۱	بغض تغزل
۱۶۲	کاروان عشاق
۱۶۳	رمضان
۱۶۵	بوی شهادت
۱۷۱	صادق آل محمد
۱۷۲	باقر العلوم

۱۷۴	عید میث
۱۷۶	بها و بهانه
۱۷۸	مادر
۱۷۹	نیکان زمین
۱۸۰	بوی زبان
۱۸۱	کربلا - فاطمه
۱۸۲	یادگار نیست
۱۸۳	عباس
۱۸۴	مافکه غواصان

مقدمه

با سپاس بی حد و فراوان از بی شائبه خداوند بلند مرتبه و شکوه‌مندی که در لحظه لحظه جان این اثر تنهایم نگذاشت و اگر نبود لطف و احسان بی‌پایانش قطعاً این اتفاق نمی‌افتاد و قادر به انجامش نبودم و جز سجده شکر چیزی ندارم برای قدردانی‌اش.

می‌گویند روزی از روزهای تاریخ صدر اسلام حضرت سید (ص) و حضرت خدیجه (س) در خانه خود مشغول عبادت بودند و حضرت علی (ع) که در این ایام کودکی ۸-۹ ساله بودند وارد می‌شوند و بعد از پایان نماز از پیامبر (ص) می‌پرسند که اینکه خواندید چه بود و پیامبر به ایشان می‌فرماید نماز خواندیم و همینک شما را

دعوت به اسلام می‌نمایم حضرت علی (ع) می‌فرمایند پس اجازه بدهید فکر نمایم و با پدرم نیز مشورت کنم فردایش به نزد پیامبر آمده می‌فرمایند من تا صبح فکر کردم، زمانی که خداوند مرا آفرید پدرم مشورت نکرد که من هم اکنون برای پرستش با ایشان مشورت کنم پس آمده‌ام تا به دین اسلام مشرف شوم. اینکه خوانند که کوفی فاتح خیبر، حیدر کرار، تمام ایمان در مقابل تمام کفر، مولای عدل و کسی که جبریل امین از طرف خداوند متعال لقب امیرالمومنین را برای ایشان به ارمغان آورد بود کودکی ۸-۹ ساله که هر کودکی غیر از او می‌بود جوابی غیر از این می‌داشت.

امیرمومنان علیه‌السلام بر اساس عدل زندگی می‌کرد چیزی که هیچ کدام از انسانهای روی کره زمین تصورش را هم نمی‌توانند بکنند که اینگونه بتوانند زندگی کنند اما به سبب سیه‌السلام اینگونه بود او میلادش بر توحید بود و حیاتش بر عدالت، گرچه ارزنده‌ترین ارزشهای متعالی انسانیت در ایشان به ظهور و بروز رسیده بود اما ایشان را عدالتش کشت.

با عمل صالح و تقوا و زحمت و کوشش و صبر و درد اندوه و خون دل خوردن با ۲۳ سال تلاش و مبارزه برای استقرار دین ۲۵ سال سکوت مظلومانه برای بقاء دین خدا و ۵ سال اعتلای حکومت

عدل به جایی رسید که عده‌ای خدایش خواندند و عده‌ای کافرش پنداشتند، به جایی رسید که حتی همام‌ها و نزدیکترین شیعیانش از درک درد او عاجز بودند و با شنیدن شمه‌ای از درد علی (ع) جان داده و تاب نیاوردند و شیعه امروز نیز از درد واقعی علی علیه‌السلام دوختن و چیزی را که درک می‌کند تنها درد شمشیر ابن ملجم است که البته این را مولا خود جواب داده‌اند که فدت و رب الکعبه این نجات بر منی را رندان تنگ و تاریک دنیا بود.

قبل از شهادتش فرموده بود به زودی معاویه شما را به بیزاری و بدگوئی از من وادار می‌کند، با گوئی را به هنگام اجبار دشمن اجازه می‌دهم که مایه بلندی در این من و نجات شماست، اما هرگز در دل از من بیزاری مجوئید که من بر فطرت توحید تولد یافته‌ام و در ایمان و هجرت از همه پیش قدم فرموده‌ام.

خودش فرموده هیچ بدعتی در دین ایجاد نمی‌شود مگر آنکه سنتی ترک شود پس از بدعت‌ها بپرهیزید و در راه راست و جاده آشکار حق باشید.

و اما اینکه ما بعنوان یک مسلمان تا چه اندازه در مسیر امام معصوم خود قرار گرفته‌ایم و ایشان را الگوی متعالی خویش قرار داده‌ایم خود از اهم مهمات حیات ماست. اگر ما حساب دین و

عبادت را از زندگی جدا بدانیم دور از جاده حقیقت هستیم. زندگی براساس عدالت بر روی کره زمین تنها حکومت تقریباً ۵ ساله امیرمومنان حضرت علی علیه السلام بود و نفر بعدی، بعد از ایشان که موفق به بسط عدالت خواهد بود صاحب عصر و زمان حضرت دای عصر خواهد بود، کاش زودتر فرجشان محقق شود تا دیگر شاهد چکمه پوشان کافر در سرزمین های مسلمانان و ملل محروم نباشیم.

کاش بیایند تا تریض های جوامع، ظلم و اجحاف تمام شود، هرچند که وضعیت جایی ما ابله قیاسه با دیگر جوامع نیست ولی می توانست خیلی بهتر از این باشد، مطمئن هستم اگر امام آمده بودند اجازه نمی دادند تولید کنندگان خودرو با گزاف ترین قیمت ها بی کیفیت ترین خودرو را به مردم سپرد و نجیب تحمیل کنند این مردم همان مردمی هستند که امام را حبل ضوان الله علیه می فرمود از مردم صدر اسلام برتر و والاتر هستند، همان مردمی هستند که با فرمان مقتدای خود دین خدا را با قطره قطره خون خود حمایت کردند و باعث شده اند ابرقدرتهای جهانخوار این چنین خوار و ذلیل شوند، وضعیت بهداشت و درمان، سیستم بانکی، تفاوت های فاحش حقوق و مزایای نیروهای رسمی و

پیمانکاری و... دردهای کمی نیستند که برشانه های مردم سنگینی می کنند.

کاش برای جوانان تحصیل کرده و بیکار مسجدسلیمان که سهمشان از منابع خدادادی نفت و گاز سرزمین مادریشان تنها است شاق هوای آلوده است سهمی از هزاران بشکه نفت تولیدی به ایشان اختصاص می داشت تا نیازهای اولیه خود را برطرف کنند، کاش بعضی از مدرسان مسجدسلیمان راضی به جذب نیروهای غیر بومی نمی شدند.

و اما توضیحی در باب انتخاب نام اثر: باز باران، از آنجایی که گرایش و علاقه اینجانبه به شعر و شعر آئینی است و با توجه به اهمیتی که دین در زندگی انسانها و نقش آن در هدایت به سوی سعادت را دارد و سیره و الگوی عملی دین مقدس اسلام در زندگی پیامبر عظیم الشان و اهل بیت جلیل القدر ایشان خلاصه می شود که من ایشان را به باران تشبیه نموده ام و برای زیباتر، رساتر، جامع تر و پاک تر از باران نیافتم و اثر قبلی ام را با نام در وصف باران منتشر کردم، از آنجائیکه این اثر نیز کمابیش به همان موضوع یعنی شعر آئینی پرداخته و به گونه ای ادامه ی در وصف

باران است، نام باز باران را از این جهت انتخاب کردم. معتقدم پیامبر (ص) و اهل بیت ایشان مانند باران رحمت الهی هستند که هر کس به فراخور ظرفیت، تربیت، استعداد و استطاعت خویش از نورانیت ایشان برای رسیدن به کمال استفاده می‌نماید.

در خاتمه خداوند متعال را شاکرم که توفیق و سعادت گام نهادن در مسیر هدایت اهل بیت علیه‌السلام و ذکر مناقب، ارزشها و اهداف ایشان را با زبان شعر آئینی مایه عزت دنیا و آخرتم گردانید و امید آن دارم تا بسنم و توان نگه‌داشتن قلم در بین انگشتان خود را دارم قدمی هر چند کوچک در این راه مقدس بردارم. بر خود فرض می‌دانم از تمامی کسانی که در این راه با رهنمود، انتقاد و پیشنهادهای سازنده مرا یاری نمودند تشکر نمایم و تشکر ویژه از زحمات بی‌دریغ استاد گرامی جناب آقای محمد علی شیرعلیزاده و خانواده محترم ایشان را دارم بیدانه همیشه در سایه لطف و عنایت خداوند متعال باشند.

مقدمه‌ام را در آستانه شهادت امیرمومنان، مولای متقیان علی علیه‌السلام به پایان می‌برم و با یک دو بیتی به این مناسبت شما را به خوانش ابیات پیش رو دعوت می‌نمایم.